

رویکرد تفسیری دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه «برخی اموال ایران» (جمهوری اسلامی ایران علیه ایالات متحده آمریکا)

محسن محبی*

وحید بذآر**

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۳/۰۷

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۰/۲۷

چکیده

دیوان بین‌المللی دادگستری در رأی صلاحیتی خود در قضیه برخی اموال ایران (ایران علیه آمریکا) که در ۲۴ بهمن ۱۳۹۷ (۱۳ فوریه ۲۰۱۹) صادر نمود، به ایرادهای مقدماتی آمریکا درباره صلاحیت و عدم قابلیت استماع دعوا پرداخت. ایراد مبتنی بر استثنای عدم اعمال عهدنامه مودت (ماده ۲۰ (۱) عهدنامه)، ایراد عدم حمایت عهدنامه مودت از مصونیت دولت و ایراد عدم شمول حمایت‌های مقرر در عهدنامه نسبت به بانک مرکزی (به واسطه عدم تلقی آن به عنوان «شرکت») به عنوان ایرادهای صلاحیتی دیوان و ایراد سوءاستفاده از روند دادرسی (Abuse of Process) و ایراد عدم پاکدستی خواهان (ایران) به عنوان ایرادهای مرتبط با عدم قابلیت استماع دعوا مطرح گردید. دیوان به دقت استدلال‌های هریک از طرف‌های اختلاف را رسیدگی نمود. دیوان ایراد عدم شمول عهدنامه مودت به مصونیت دولت را پذیرفت اما ایراد مربوط به «منافع ملی و اساسی» و ایرادهای مربوط به عدم قابلیت استماع دعوا را رد کرد و در نتیجه صلاحیت خود برای رسیدگی به دادخواست خواهان را احراز نمود. ضمناً، ایراد عدم شمول مفاد عهدنامه نسبت به بانک مرکزی، ملحق به ماهیت شد؛ زیرا به نظر دیوان این ایراد ویژگی منحصراً مقدماتی ندارد. در این مقاله تلاش می‌کنیم تا با ذکر ادعاها و استدلال‌های هریک از طرف‌های اختلاف و نتیجه‌گیری دیوان در خصوص ایرادهای مزبور، آنها را مورد مذاکره و بررسی قرار داده و یافته‌های دیوان را تحلیل کنیم.

واژگان کلیدی: دیوان بین‌المللی دادگستری، ایراد مقدماتی، صلاحیت، تفسیر عهدنامه، جمهوری اسلامی ایران، ایالات متحده آمریکا.

* استادیار دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران (نویسنده مسؤول).
sd.mohebi@gmail.com

** دکتری حقوق بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبائی.

vahidbazzar@gmail.com

مقدمه

در ۲۴ بهمن ۱۳۹۷ (۱۳ فوریه ۲۰۱۹) رأی صلاحیتی دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه «برخی اموال ایران» (جمهوری اسلامی ایران علیه ایالات متحده آمریکا) صادر شد. این قضیه در پی ضبط و مصادره اموال بانک مرکزی ایران به واسطه اجرای حکم صادره از دادگاه‌های داخلی آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران در قضیه «پترسون» شکل گرفت. ایران پس از سال‌ها پیگیری و اعتراض به روند اجرای رأی صادره و طی کلیه مراحل رسیدگی در دادگاه‌های آمریکا نتیجه‌ای نگرفت و به شرحی که خواهد آمد، به استناد عهدنامه مودت، روابط اقتصادی و حقوق کنسولی (۱۳۳۴) به دیوان بین‌المللی دادگستری مراجعه و علیه آمریکا طرح دعوا نمود.

شرح قضیه «پترسون» از این قرار است که در ۲۳ اکتبر سال ۱۹۸۳ میلادی یک کامیون حامل ۱۹ تن مواد منفجره با ورود به مقر تفنگداران نیروی دریایی ایالات متحده آمریکا در لبنان سبب کشته شدن ۲۴۱ تبعه آمریکایی شد.^۱ آمریکا با ادعای تدارک و پشتیبانی این رویداد از سوی ایران،^۲ نام ایران را به‌عنوان «دولت حامی تروریسم» درج کرد^۳ و بدین‌سان زمینه و موجبات کافی برای بازماندگان و خانواده‌های

۱. در رأی دادگاه بخش کلمبیا در ایالات متحده آمریکا در قضیه «پترسون»، تصریح شده است که انفجار مقر تفنگداران نیروی دریایی آمریکا در بیروت (۱۹۸۳)، بزرگترین انفجار غیرهسته‌ای است که تاکنون کره زمین به خود دیده است (پاراگراف ۵۶).

۲. آقای ویسک نماینده رابط و یکی از وکلای آمریکا، در محضر قضاوت دیوان بین‌المللی دادگستری این ادعا را مطرح می‌کند که راننده کامیون حامل مواد منفجره که به مقر تفنگداران نیروی دریایی آمریکا در بیروت وارد شد یک شهروند ایرانی عضو حزب‌الله لبنان بود. همچنین او با اشاره به سخنان سردار رفیق دوست در یکی از کارخانه‌های مربوط به امور دفاعی ایران، تلاش کرد تا این انفجار را به ایران منتسب کند: «ایالات متحده می‌داند مواد منفجره و ایدئولوژی که ۴۰۰ سرباز مقر تفنگداران نیروی دریایی را به جهنم فرستاد، از سوی ایران بود.» (Verbatim Record of 8 October 2018 (Richard C. Wisek), p. 15, paras 6-7).

۳. نام دولت ایران از سال ۱۹۸۴ میلادی تاکنون در فهرست «دولت‌های حامی تروریسم» (State Sponsor of Terrorism) ایالات متحده آمریکا قرار دارد. استثنای تروریسم که بعداً به قانون مصونیت دولت‌های خارجی (۱۹۷۶) افزوده شد سبب گردید تا دعوی متعددی علیه ایران در دادگاه‌های داخلی آمریکا مطرح شود. بعداً در سال ۲۰۰۲ قانون بیمه خطر تروریسم، اجازه توقیف اموال ایران به‌منظور اجرای آراء دادگاه‌های آمریکایی در دعاوی تروریستی علیه ایران را فراهم آورد و در سال ۲۰۰۸ نیز تعریف موسعی از استثنای تروریسم در نظام حقوقی آمریکا به‌عمل آمد به‌طوری که خسارت تنبیهی (Punitive Damage) که قبلاً صرفاً نسبت به مقامات دولتی پذیرفته شده بود، در خصوص دولت‌های خارجی نیز مورد قبول قرار گرفت و ادعاهای مربوط به «خسارت مالی منطقی قابل پیش‌بینی» (Reasonably Foreseeable Property Loss) نیز قابل مطالبه قلمداد شد.

قربانیان فراهم شد تا در دادگاه‌های آمریکا علیه ایران طرح دعوا نمایند. دادگاه بخش کلمبیا که به شکایت مزبور رسیدگی می‌کرد، در رأی ۳۰ مه ۲۰۰۳ به این نتیجه رسید که وزارت اطلاعات و امنیت ایران در حمله ۲۳ اکتبر ۱۹۸۳ که به وسیله عوامل آن وزارتخانه و با کمک حزب الله لبنان انجام گرفت، به نحو فعالی مشارکت داشته است.^۱ این رأی برای اجرا در آمریکا با فراز و نشیب‌های بسیاری مواجه شد. سرانجام با تصویب «قانون کاهش تهدید ایران و حقوق بشر سوریه»^۲ (بخش ۵۰۲ قانون) در سال ۲۰۱۲، امکان اجرای آن از محل اموال بانک مرکزی ایران فراهم گردید و مبالغی از اوراق بهادار بانک مرکزی در آمریکا توقیف شد. مراجعه بانک مرکزی به دادگاه‌های آمریکا که حتی تا دیوان عالی آمریکا کشیده شد نیز نتوانست مانع اجرای این رأی شود و متعاقب صدور حکم از سوی دیوان عالی در سال ۲۰۱۶، قریب ۱/۸ میلیارد دلار از اموال بانک مرکزی ایران که قبلاً توقیف شده بود، مصادره و مقرر شد بین خواهان‌های پرونده «پترسون» توزیع شود.

حدود دو ماه پس از صدور رأی دیوان عالی آمریکا در پرونده «پترسون» در ۲۵ خرداد ۱۳۹۵ (۱۴ ژوئن ۲۰۱۶)، دولت ایران دادخواستی را بر اساس عهدنامه مودت ایران-آمریکا^۳ در دیوان بین‌المللی دادگستری علیه آمریکا ثبت نمود. آمریکا در پاسخ به دعوی ایران، در ماهیت دفاع نکرد بلکه پنج مورد ایراد مقدماتی مطرح کرد (سه مورد ایراد صلاحیتی و دو مورد ایراد عدم قابلیت استماع) و تلاش کرد تا با اثبات عدم صلاحیت دیوان و عدم قابلیت استماع دعوا، مانع از آن شود که دیوان بتواند با ورود به مرحله رسیدگی ماهیتی، ادعاهای ایران را مورد بررسی قرار دهد.

۱. ایرادهای مقدماتی ایالات متحده آمریکا: عدم صلاحیت دیوان

دولت آمریکا در قضیه «برخی اموال ایران»، سه ایراد مقدماتی را در خصوص صلاحیت دیوان نسبت به رسیدگی به دادخواست ایران مطرح می‌کند. به‌عنوان نخستین ایراد، آمریکا بیان می‌کند که ادعای خواهان مشمول استثنای موضوع ماده ۲۰ عهدنامه مودت

1. Peterson v. Islamic Republic of Iran, United States District Court, District of Columbia, 30 May 2003, para. 92.

2. Iran Threat Reduction and Syria Human Rights Act (ITRSHRA) 2012.

۳. عهدنامه مودت، روابط اقتصادی و حقوق کنسولی بین ایران-آمریکا، یکی از ۲۱ عهدنامه مودتی است که آمریکا پس از جنگ جهانی دوم با کشورهای مختلف منعقد نموده است.

(منافع اساسی داخلی) می‌شود. ایرادهای دوم و سوم نیز به ترتیب، در مورد عدم شمول عهدنامه دربارهٔ مصونیت دولتی و نیز عدم شمول آن نسبت به بانک مرکزی به‌عنوان «شرکت» می‌باشد. دولت ایران در پاسخ به ایرادهای مقدماتی آمریکا تلاش نمود تا با اشاره به اقدامات دولت و مقامات آمریکایی، رویکرد منفعل خوانده نسبت به دیوان بین‌المللی دادگستری به‌عنوان رکن اصلی قضایی ملل متحد را برجسته نماید. در این زمینه، نمایندهٔ رابط و وکیل ایران در قسمتی از نطق خود به اظهارنظر مشاور امنیت ملی آمریکا که اخیراً بیان شد، اشاره می‌کند که گفته بود: «دیوان بین‌المللی دادگستری یک نهاد غیرمؤثر و سیاست‌زده است و دولت آمریکا تمامی موافقت‌نامه‌های بین‌المللی را که این قابلیت را دارند تا این کشور را در معرض تصمیم‌های الزام‌آور دیوان قرار دهند، مورد بازبینی قرار خواهد داد.» همچنین، نمایندهٔ رابط ایران با یادآوری خروج آمریکا از عهدنامهٔ مودت بلافاصله پس از صدور دستور موقت دیوان به تاریخ سوم اکتبر ۲۰۱۸ در قضیه «نقض عهدنامهٔ مودت» بر «حکومت قانون» انگشت می‌نهد و می‌افزاید که چنین رویکردی مبنای حکومت قانون را متزلزل و نقش دیوان را به‌عنوان حافظ صلح و امنیت بین‌المللی که از طریق حل‌وفصل مسالمت‌آمیز اختلاف‌ها متجلی می‌شود مخدوش می‌کند.^۱

۱-۱. استثنای عدم اعمال عهدنامهٔ مودت

نخستین ایراد صلاحیتی ایالات متحده مبتنی بر ماده ۲۰ (۱) عهدنامهٔ مودت است. آمریکا مدعی است که کارکرد ماده ۲۰ (۱) مستثنی نمودن برخی موضوعات از قلمرو «صلاحیت موضوعی» عهدنامهٔ مودت و در نتیجه از صلاحیت دیوان است که به عقیدهٔ آمریکا آنجایی که نقض‌های ادعایی، جزء موارد مذکور در ماده ۲۰ (۱) هستند دیوان نسبت به درخواست ایران برای تفسیر و اجرای آن‌ها صلاحیت ندارد. با توجه به سابقهٔ اظهارنظر دیوان در قضایای قبلی، استناد آمریکا به آن در مرحلهٔ رسیدگی صلاحیتی بسیار تعجب‌برانگیز بود. دیوان در قضیه «سکوهای نفتی» و قضیه «نقض عهدنامهٔ مودت» که از قضا بر اساس همین عهدنامهٔ مودت مطرح شده بود، اعلام کرده بود که ماده ۲۰ (۱) مربوط به دفاع در مرحلهٔ رسیدگی ماهیتی می‌شود و نمی‌تواند به‌عنوان ایراد مقدماتی نسبت به صلاحیت دیوان مورد استناد قرار گیرد. دیوان در قضیه «سکوهای نفتی» تأکید می‌کند که هیچ مقرره‌ای در عهدنامهٔ مودت وجود ندارد که

1. Verbatim Record of 12 October 2018 (Mohsen Mohebi), p. 36, para. 3.

به‌طور صریح و مستقیم برخی موضوع‌ها را از صلاحیت دیوان خارج کند.^۱ البته آمریکا در جلسه استماع تلاش می‌کرد تا نشان دهد اظهارنظر دیوان در قضایای قبلی به‌خصوص در دستور موقت صادره در قضیه «نقض عهدنامه مودت» - که پنج روز قبل از جلسه استماع در پرونده «برخی اموال ایران» قرائت شده بود - مانع استناد به ماده ۲۰ (۱) عهدنامه در مرحله رسیدگی صلاحیتی در این قضیه نمی‌شود. وکیل آمریکا آقای دالی استدلال می‌کند که در قضیه «نقض عهدنامه مودت»، دیوان در رسیدگی به درخواست صدور دستور موقت بوده و برای این منظور صرفاً در مقام احراز صلاحیت خود به‌صورت «علی‌الظاهر»^۲ بوده و تصمیم دیوان در آنجا، نسبت به صلاحیت قطعی نبوده و نیست و در این پرونده (برخی اموال ایران) که ایراد صلاحیتی مطرح شده، دیوان باید صلاحیت خود را احراز کند. او با اشاره و تأکید بر عبارت «در این قضیه» در پاراگراف ۴۱ دستور موقت (ماده ۲۰ (۱) (د) صلاحیت دیوان را در این قضیه محدود نمی‌کند)^۳ این‌گونه نتیجه‌گیری می‌کند که بررسی این مسئله که آیا ماده ۲۰ (۱)، پیامدهای صلاحیتی دارد یا خیر، در این قضیه منتهی نخواهد بود.^۴

همچنین آمریکا در قضیه «برخی اموال ایران» اندکی متمایز از قضایای قبلی به ماده ۲۰ (۱) استناد کرد تا شاید با توسل به این حربه بتواند از تکرار اظهارنظر سابق دیوان جلوگیری کند. آمریکا گفت ماده ۲۰ (۱) چهار بند دارد که در قضایای قبلی، بند (ب) (درخصوص مواد شکاف‌پذیر، رادیواکتیو، منابع یا فرآورده‌های آن‌ها) و بند (د) (درخصوص تدابیر ضروری برای اجرای تعهدات طرف‌های معاهده درخصوص حفظ یا اعاده صلح و امنیت بین‌المللی و یا تدابیر ضروری برای حفاظت از منافع امنیتی اساسی آن‌ها) مورد استناد قرار گرفته بودند، اما در قضیه حاضر (برخی اموال ایران)، آمریکا بند (ج) و بند (د) را مورد استناد قرار داده است و استناد به بند (ج)، ادعایی جدید است که در قضایای قبلی مطرح نشده بود. بند (ج) به تدابیر مربوط به تولید و انباشت تسلیحات، مهمات و ادوات جنگی یا انباشت موادی مربوط می‌شود که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم برای تأمین نیازهای تأسیسات نظامی مورد استفاده قرار می‌گیرند. آمریکا

1. Oil Platform Case (Iran v. USA), Preliminary Objection, I.C.J. Reports 1996, para. 20; Alleged Violations of the Treaty of Amity, Economic Relations, and Consular Rights (Iran v. USA), Provisional Measures, Order of 3 October 2018, I.C.J. Reports 2018, para. 41.
 2. Prima facie.
 3. Article XX, paragraph 1, subparagraph (d) did not restrict its jurisdiction in that case
 4. Verbatim Record of 8 October 2018 (John D. Daley), pp. 10, 13, paras. 5, 22-23.

استدلال می‌کند که دستور اجرائی ۱۳۵۹۹ ریاست جمهوری آمریکا، تدبیری است که به انباشت مواد فهرست‌شده در بند (ج) ماده ۲۰ (۱) عهدنامه مودت می‌پردازد و با اتخاذ تدابیری در راستای مبارزه با تروریسم و فعالیت‌های موشکی ایران، برای حفاظت از منافع امنیتی اساسی آمریکا ضروری است و از این‌رو، ادعاهای مرتبط با آن از صلاحیت دیوان خارج می‌شود.^۱

هیچ‌کدام از این تلاش‌ها نتوانست دیوان را متقاعد کند که از تصمیم و نظر قبلی خود در خصوص ماده ۲۰ (۱) عهدنامه مودت عدول کند و دیوان پس از اشاره به قضایای مورد اشاره و تکرار گفته‌های سابق خود، بیان می‌کند که هیچ دلیلی وجود ندارد که بر اساس آن بتوان تمایزی میان بند (ج) و بند (د) ماده ۲۰ (۱) قائل شد.^۲

۱-۲. شمول عهدنامه مودت به مصونیت دولتی

این اصل که ادعا علیه دولت‌های خارجی و اموال آن‌ها - جز در صورت رضایت آن‌ها - در دادگاه‌های داخلی کشور دیگر قابل رسیدگی نیست، به‌عنوان یک اصل حقوق بین‌الملل عرفی مورد پذیرش قرار گرفته است.^۳ این مصونیت شامل بانک‌های مرکزی نیز می‌شود خصوصاً که فعالیت‌ها و سرمایه‌گذاری بانک‌های مرکزی را در کشورهای خارجی تأمین و تشویق می‌کند. کنوانسیون ملل متحد در خصوص مصونیت‌های صلاحیتی دولت‌ها و اموال آن‌ها (۲۰۰۴) نیز این امر را مورد پذیرش قرار داده که اموال بانک‌های مرکزی در مقابل توقیف و آراء دادگاه‌های داخلی مصونیت دارند.^۴ برخی دولت‌ها از جمله سوئیس، آرژانتین و ایران،^۵ شناسایی مصونیت دولت خارجی را منوط به عمل متقابل کرده‌اند (عبداللهی و شافع، ۱۳۸۶، ص ۱۶۶). دولت آمریکا رویه متفاوتی را در مقایسه با سایر دولت‌ها برگزیده است^۶ و با تصویب قانون داخلی، مصونیت برخی

1. Certain Iranian Assets (Iran v. USA), I.C.J. Reports 2019, para. 40; Verbatim Record of 8 October 2018 (John D. Daley), pp. 14, 19, paras. 29-55.

2. Certain Iranian Assets (Iran v. USA), I.C.J. Reports 2019, paras. 45-46.

3. United Nations Convention on Jurisdictional Immunities of States and Their Property 2004, preamble, p. 1.

4. United Nations Convention on Jurisdictional Immunities of States and Their Property 2004, arts. 19 (c), 21 (c).

۵. در ایران، قانون مربوط به اعطای مصونیت به دولت‌های خارجی در هجدهم مهر ۱۳۷۸ به تصویب رسید. البته، قانون صلاحیت دادگستری جمهوری اسلامی ایران برای رسیدگی به دعاوی مدنی علیه دولت‌های خارجی (مصوب ۱۳۹۰/۱۲/۱۷) جایگزین قانون ۱۳۷۸ و اصلاحات بعدی آن شده است (عزیزی و بذآر، ۱۳۹۸، ص ۴۷۲).

۶. خانم فیلیپا وب یکی از وکلای ایران در قضیه «برخی اموال ایران» به‌درستی خاطرنشان می‌کند که «قانون

دولت‌ها از جمله آن‌هایی را که در فهرست «دولت‌های حامی تروریسم» این کشور قرار گرفته‌اند، کنار گذاشته است. یکی از این دولت‌ها ایران است که تا اوت ۲۰۱۸، ۱۱۲ فقره حکم به مبلغ حدود ۸۰ میلیارد دلار (مجموع خسارات ترمیمی و تنبیهی) علیه آن صادر شده است.^۱ متقابلاً دادگاه‌های ایران در اجرای قانون صلاحیت دادگستری جمهوری اسلامی ایران برای رسیدگی به دعاوی مدنی علیه دولت‌های خارجی مصوب اردیبهشت ۱۳۹۱ و آیین‌نامه اجرایی آن، در ده‌ها پرونده موضوع دعاوی اتباع ایرانی علیه دولت آمریکا بابت خسارت‌های وارده از اقدامات آمریکا، قریب ۹۰ میلیارد دلار (مجموع خسارات ترمیمی و تنبیهی) رأی صادر کرده‌اند.

در قضیه «برخی اموال ایران» دولت آمریکا معتقد است که این عهدنامه ظرفیت و امکان رسیدگی به ادعاهای گسترده ایران از جمله ادعای مربوط به مصونیت دولت ایران با رفتار آمریکا با بانک مرکزی ایران و دستور اجرائی ۱۳۵۹۹ ریاست جمهوری آمریکا را فراهم نمی‌کند؛ چراکه دیوان در قضیه «سکوهاهی نفتی» تصریح نموده بود که موضوع و هدف عهدنامه مودت، تنظیم روابط مسالمت‌آمیز و دوستانه دولت‌های طرف عهدنامه در معنای کلی آن نیست.^۲ در این زمینه، خانم کیمبال یکی از وکلای آمریکا، با اشاره به رویه دیوان در قضیه «مصونیت‌ها و دادرسی‌های کیفری» و قضیه «فعالیت‌های نظامی در سرزمین کنگو» استدلال می‌کرد که قلمرو صلاحیت دیوان محدود به مفاد شرط معاهداتی صلاحیت یعنی ماده ۲۱ عهدنامه مودت است و شامل ادعاهای ایران نمی‌شود.^۳ دیوان در قضیه «مصونیت‌ها و دادرسی‌های کیفری» در پاسخ به ایراد

مصونیت دولت‌های خارجی» (Foreign Sovereign Immunities Act (FSIA) (۱۹۷۶) ایالات متحده آمریکا، نخستین قانون ملی در جهان است که قواعد عرفی مربوط به مصونیت - صلاحیتی و اجرائی - دولت را تدوین نموده است و آمریکا در حوزه شناسایی مصونیت دولت در قوانین ملی، یک دولت پیشگام است (Verbatim Record of 10 October 2018 (Philippa Webb), p. 45, paras. 5-6).

۱. در دعاوی مطروح علیه دولت ایران در دادگاه‌های داخلی آمریکا، حکم به خسارت تنبیهی (Punitive Damage) که پذیرش آن به لحاظ حقوقی محل تأمل است، به کرات مورد پذیرش قرار گرفته است و حتی مواردی از جمله مسئولیت دولت ایران و شرکت‌های ایرانی در ارتباط با حمله تروریستی القاعده به برج‌های دوقلوی آمریکا در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ نیز مطرح گردیده است (Verbatim Record of 10 October 2018 (Mohsen Mohebi), pp. 13, 15, paras. 12-13, 16).

2. Oil Platform Case (Iran v. USA), Preliminary Objection, I.C.J. Reports 1996, para. 28.

3. Verbatim Record of 8 October 2018 (Emily J. Kimball), pp. 61-62, paras. 3, 5.

مقدماتی خواننده تصریح کرده بود که صلاحیت آن محدود به میزان پذیرفته شده از سوی طرف‌های اختلاف است.^۱ همچنین در قضیه «فعالیت‌های نظامی در سرزمین کنگو» دیوان بیان کرده بود هنگامی که در خصوص صلاحیت دیوان، به شرط عهدنامه‌ای استناد می‌شود، صلاحیت دیوان صرفاً ناظر به همان محدوده مقرر در عهدنامه و تنها نسبت به طرف‌های آن عهدنامه که به شرط مزبور ملتزم هستند، خواهد بود.^۲ بر این اساس، دولت خواننده (آمریکا) مدعی بود که متن و سیاق عهدنامه مودت هیچ‌گونه مصونیت صلاحیتی یا اجرائی به دولت‌های طرف آن و واحدها و مؤسسه‌های دولتی آن‌ها اعطا نمی‌کند و موضوع و هدف این عهدنامه نشان‌دهنده این است که صرفاً ناظر به روابط اقتصادی و کنسولی میان دو کشور است و حتی رویه ایران در قضایای مطروح در دهه‌های پس از لازم‌الاجرا شدن عهدنامه در دادگاه‌های آمریکا، نشان‌دهنده این است که ایران هرگز مسئله مصونیت را مطرح نکرده و مدعی نقض مصونیتی که حالا ادعا می‌کند در عهدنامه تضمین گردیده، نشده است.^۳

در طرف مقابل، ایران معتقد است که مصونیت بانک مرکزی ایران در عهدنامه مودت - و حقوق بین‌الملل عرفی - تضمین شده است و در این مورد، به دو دسته از مقررات عهدنامه استناد می‌کند: مقرراتی که به‌طور مشخص به حقوق مربوط به مصونیت اشاره دارند (مواد ۴ (۲) و ۱۱ (۴)) و مقرراتی که اگرچه به‌طور صریح به مصونیت دولتی اشاره نمی‌کنند، اما تفسیر و اجرای کامل آن‌ها مستلزم توجه به مصونیت‌های دولت و موجودیت‌های دولتی است (مواد ۳ (۲)، ۴ (۱) و ۱۰ (۱)).^۴ از استدلال‌ها و دفاعیات طرف‌ها پیداست که در مورد این که آیا عهدنامه مودت موضوعاً شامل مصونیت دولتی هست یا نه، اختلاف دارند. همین مقدار «موضوع اختلاف» برای صلاحیت دیوان جهت ورود به پرونده کافی است. اما این که آیا دیوان «صلاحیت موضوعی» برای رسیدگی به ادعای ایران درباره نقض مصونیت دولت و بانک مرکزی دارد، محتاج ارزیابی تفسیرها و استدلال‌ها و ادله طرف‌ها درباره مواد ذی‌ربط

1. Immunities and Criminal Proceedings (Equatorial Guinea v. France), Preliminary Objections, I.C.J. Reports 2018, para. 42.

2. Armed Activities on the Territory of the Congo (New Application: 2002) (Democratic Republic of the Congo v. Rwanda), Jurisdiction and Admissibility, Judgment, I.C.J. Reports 2006, para. 65; Armed Activities on the Territory of the Congo (New Application: 2002) (Democratic Republic of the Congo v. Rwanda), Provisional Measures, Order of 10 July 2002, I.C.J. Reports 2002, para. 57.

3. Certain Iranian Assets (Iran v. USA), I.C.J. Reports 2019, para. 49.

4. Certain Iranian Assets (Iran v. USA), I.C.J. Reports 2019, para. 51.

عهدنامه مودت است. دیوان در رأی صلاحیتی خود، مواد مورد اشاره ایران را به‌طور دقیق بررسی می‌کند تا مشخص کند که آیا به‌واسطه این مواد، مسئله مصونیت به‌لحاظ موضوعی^۱ در قلمرو عهدنامه مودت قرار می‌گیرد یا خیر.

مطابق ماده ۴ (۲)، اموال اتباع و شرکت‌های یک طرف عهدنامه و منافع آن اموال، از حداکثر امنیت و حمایت دائمی - نه کمتر از آنچه حقوق بین‌الملل اقتضا می‌کند - در سرزمین طرف دیگر عهدنامه برخوردار خواهند بود و این اموال جز در راستای اهداف عمومی و بدون پرداخت فوری یک غرامت عادلانه توقیف نخواهند شد. این غرامت باید به‌نحو مؤثری قابل پرداخت و به‌طور کامل معادل مالی باشد که توقیف شده است و باید تمهیدات لازم جهت تعیین و پرداخت غرامت در زمان توقیف مال یا قبل از آن اتخاذ گردد. در جلسه استماع، ایران با تمرکز بر عبارت ماده مذکور («مقتضیات حقوق بین‌الملل»^۲) استدلال می‌کرد که این مقرره، قواعد حقوق بین‌الملل عرفی در خصوص مصونیت را نیز شامل می‌شود و از آنجایی که اموال اتباع و شرکت‌های ایرانی (بانک مرکزی و ...) حداکثر امنیت و حمایت را در آمریکا نداشته و تعهد آمریکا به رفتار با آن‌ها نه کمتر از مقتضیات حقوق بین‌الملل، نقض شده است، دیوان صلاحیت دارد تا حقوق مصونیت را در سیاق ماده ۴ (۲) عهدنامه مودت اعمال کند. وکیل ایران آقای ساموئل ورد وُرت در جلسه استماع تصریح می‌کند که ممنوعیت وسیع توقیف اموال مگر برای هدف عمومی و با پرداخت فوری یک غرامت عادلانه، شامل هرگونه توقیف قضایی، قانون‌گذاری و اجرایی می‌شود و ماده ۴ (۲) هیچ‌گونه محدودیتی در خصوص نوع اموال یا نوع شرکت نپذیرفته است؛ آمریکا بدون پرداخت غرامت، اقدام به سلب مالکیت از اموال بانک مرکزی (اوراق بهادار) نموده است و تعیین این که آیا این اقدام مبتنی بر یک هدف عمومی بوده است یا خیر، مسئله‌ای مربوط به مرحله رسیدگی ماهیتی است.^۳ آمریکا در مقابل استدلال می‌کند که عبارت «مقتضیات حقوق بین‌الملل» که در ماده ۴ (۲) آمده ناظر به حداقل استانداردهای رفتار نسبت به اموال خارجی‌ان در دولت میزبان است که مفهومی شناخته شده در حقوق حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی - و نه مصونیت دولت - است و این واقعیت که در عهدنامه مودت این حمایت از حقوق سرمایه‌گذاری

1. Ratione materiae.

2. ... that required by international law

3. Verbatim Record of 10 October 2018 (Samuel Wordsworth), p. 21, paras. 33-34.

به‌طور همزمان و غیر قابل تبعیض شامل شرکت‌های خصوصی و دستگاه‌های دولتی می‌شود، اثبات می‌کند که ماده ۴ (۲) نمی‌تواند متضمن حاکمیت دولت باشد.^۱ پس از دفاعیات طرف‌ها، دیوان بدون بررسی ماهیت حقوقی بانک مرکزی به‌عنوان یک «شرکت»، اعلام می‌کند که از آنجایی که طرف‌ها در مقدمهٔ عهدنامه، هدف خود را تشویق سرمایه‌گذاری‌ها و تجارت پُر سود دوجانبه و مراودات اقتصادی نزدیک میان اتباعشان و تنظیم روابط کنسولی اعلام کرده‌اند و با توجه به عنوان عهدنامهٔ مودت، تفسیر ایران از ماده ۴ (۲) عهدنامه - و استناد به عبارت «مقتضیات حقوق بین‌الملل» - در ماده مزبور با موضوع و هدف عهدنامه تطبیق نمی‌کند. همچنین به نظر دیوان، عبارت «حقوق بین‌الملل» در این ماده محدود به استاندارد حمایت حداقلی از اموال فعالان اقتصادی هر یک از طرف‌ها در سرزمین طرف دیگر عهدنامه است و ارتباطی به واحدها و مؤسسه‌های دولتی بر اساس اصل برابری حاکمیت دولت‌ها ندارد و شامل آن‌ها نمی‌شود. دیوان با بررسی سایر جمله‌ها و عبارت‌های بند دوم و همچنین بند نخست ماده ۴ به این نتیجه می‌رسد که هدف این ماده تضمین برخی حقوق و حمایت‌های حداقلی برای اشخاص حقیقی و حقوقی درگیر در فعالیت‌های اقتصادی است و شامل قواعد عرفی مربوط به مصونیت دولت نمی‌شود.^۲

ماده دیگر مورد استناد ایران که از قضا از مصونیت سخن گفته است، ماده ۱۱ عهدنامه است. مطابق بند چهارم این ماده شرکت‌ها، مؤسسه‌ها و یا بنگاه‌های هر یک از دولتین طرف عهدنامه از جمله شرکت‌های تجاری، انجمن‌ها و نمایندگی‌های دولتی (آژانس) که مالکیت عمومی دارند یا چنین نظارتی بر آن‌ها وجود دارد، اگر به فعالیت اقتصادی، صنعتی، کشتیرانی یا سایر فعالیت‌ها در سرزمین طرف دیگر عهدنامه بپردازند، نمی‌توانند در مورد خود یا اموال خود مدعی مصونیت از مالیات، مصونیت در قبال دعاوی، اجرای احکام قضایی، مصونیت قضایی و اجرائی یا سایر مسئولیت‌هایی که برای آن‌ها در آن سرزمین وجود دارد، بشوند. ایران مدعی بود که این مقرر مصونیت شرکت‌ها را صرفاً در موارد اشتغال به فعالیت‌های اقتصادی یا صنعتی استثنا می‌کند و تأثیری بر حق واحدها و مؤسسه‌های دولتی که به اعمال حاکمیتی^۳ می‌پردازند، برای

1. Certain Iranian Assets (Iran v. USA), I.C.J. Reports 2019, paras. 54-55.

2. Certain Iranian Assets (Iran v. USA), I.C.J. Reports 2019, paras. 57-58.

3. Jure imperii.

استناد به مصونیت تحت حقوق بین‌الملل عرفی ندارد. در واقع، ایران تلاش می‌کند تا نشان دهد که از مفهوم مخالف ماده ۱۱ (۴)، مصونیت شرکت‌ها و مؤسسه‌های دولتی که اعمال حاکمیت می‌کنند، قابل استنباط است. آمریکا در مقابل مدعی بود که این ماده تنها به دنبال پیشگیری از رقابت غیرمنصفانه میان شرکت‌های تحت مالکیت عمومی و دولتی و خصوصی است و مانع از مسئولیت شرکت‌های دولتی که در رقابت با شرکت‌های خصوصی هستند، نمی‌شود. دیوان هم‌سو با استدلال آمریکا تصریح می‌کند که با توجه به موضوع و هدف عهدنامه مودت، اشاره انحصاری ماده ۱۱ (۴) به شرکت‌های فعال در حوزه‌های تجاری و صنعتی به این سبب است که این ماده تنها به فعالیت‌های تجاری و اقتصادی محدود می‌شود و در پی تضمین رقابت منصفانه میان فعالان تجاری و اقتصادی طرف‌های عهدنامه است. بنابراین، اعمال حاکمیتی با فلسفه وجودی ماده ۱۱ (۴) قرابتی ندارد و این ادعا که ماده مزبور متضمن مصونیت دولتی تحت شمول عهدنامه مودت است، قابل پذیرش نیست.^۱ این نتیجه‌گیری دیوان با مخالفت چهار قاضی از قضات دیوان مواجه شد و این مسئله اساسی را مطرح می‌کند که اگر ماده ۱۱ (۴) هیچ مصونیتی به شرکت‌های طرف‌های عهدنامه اعطا نمی‌کند و طرف‌ها هیچ تعهدی به رعایت مصونیت یکدیگر ندارند، در مواردی که یکی از دولتین با استفاده از قدرت حاکمیتی خود مانع فعالیت تجاری شرکت طرف دیگر می‌شود، این رقابت منصفانه چگونه ممکن است برقرار باشد؟ (Hosseinnejad and Askary, 2019).

قاضی رابینسون در نظریه جداگانه خود، تصمیم دیوان در خصوص این بند را مورد انتقاد قرار می‌دهد. او معتقد است که فارغ از مفهوم مخالف ماده ۱۱ (۴) عهدنامه مودت یا اشاره ضمنی آن، تفسیر این ماده بر اساس ماده ۳۱ (۱) کنوانسیون حقوق معاهدات (۱۹۶۹) به این نتیجه می‌انجامد که شرکت‌های دولتی که اعمال حاکمیتی انجام می‌دهند، در قلمرو عهدنامه مودت می‌گنجد و صرف این که عهدنامه مودت صریحاً به مصونیت در قبال اعمال حاکمیتی اشاره نمی‌کند، در احراز این که چنین مصونیتی در چارچوب این عهدنامه می‌گنجد یا خیر، تعیین‌کننده نیست. او می‌افزاید که بهره‌مندی مؤسسه‌ها و شرکت‌های دولتی از مصونیت در اعمال حاکمیتی خود، برای نیل به موضوع و هدف عهدنامه مودت که همانا ارتقای روابط اقتصادی و تجاری و سرمایه‌گذاری میان

1. Certain Iranian Assets (Iran v. USA), I.C.J. Reports 2019, paras. 60-61, 65.

دو کشور است، امری حیاتی است و بنابراین، عهدنامه مودت متضمن شناسایی مصونیت حاکمیتی بانک مرکزی در قبال اعمال حاکمیتی آن است؛ چراکه اگر به واسطه عدم رعایت مصونیت بانک مرکزی، تجار و سرمایه‌گذاران هر یک از طرف‌ها نتوانند به آسانی مبادرت به انتقال وجوه از یا به دولت میزبان کنند، به موضوع و هدف عهدنامه خدشه جدی وارد می‌شود.^۱

قاضی جمشید ممتاز - قاضی اختصاصی ایران - نیز به‌عنوان یکی از مخالفان سرسخت این قسمت از نتیجه‌گیری دیوان، ایراد خود را این‌گونه مطرح می‌کند: ایران برخلاف آمریکا معتقد است که ماده ۱۱ (۴) عهدنامه مودت متضمن مصونیت برای اعمال حاکمیتی شرکت‌های دولتی طرف‌های عهدنامه است و از آنجایی که در خصوص قلمرو و معنای این ماده میان طرف‌ها اختلاف وجود دارد، دیوان بر اساس ماده ۲۱ عهدنامه مودت، صالح به رسیدگی به اختلاف ناشی از تفسیر و اجرای آن است. او تصریح می‌کند که چگونه است که دیوان در قضیه «سکوه‌های نفتی»، موضوع توسل به زور را خارج از عهدنامه مودت نمی‌داند اما در اینجا نسبت به نقض مصونیت شرکت‌ها و مؤسسه‌های دولتی که اعمال حاکمیتی انجام می‌دهند و این نقض مانع اجرای حقوق و تعهدات ناشی از عهدنامه می‌شود، به یک نتیجه‌گیری کاملاً متمایز می‌رسد. ایراد دیگر قاضی ممتاز، نسبت به نحوه تفسیر دیوان از ماده ۱۱ (۴) عهدنامه مودت است. او ضمن یادآوری بند (پ) ماده ۳۱ (۳) کنوانسیون حقوق معاهدات ۱۹۶۹ (لحاظ نمودن سایر قواعد مرتبط و لازم‌الاجرا حقوق بین‌الملل در روابط میان طرف‌های عهدنامه) و اظهار نظر دیوان اروپایی حقوق بشر در قضیه «الآدسانی»،^۲ بیان می‌کند که تفسیر ماده ۱۱ (۴) عهدنامه مودت بدون در نظر گرفتن قواعد حقوق بین‌الملل عرفی در خصوص مصونیت، تفسیری اشتباه است و نقض مصونیت صلاحیتی بانک مرکزی هنگامی که بانک به اعمال حاکمیتی می‌پردازد، می‌تواند آزادی تجارت میان ایران و آمریکا را

1. Certain Iranian Assets (Iran v. USA), I.C.J. Reports 2019, Separate Opinion of Judge Robinson, paras. 4-5, 7-8, 11, 14.

۲. دیوان اروپایی حقوق بشر در قضیه «الآدسانی» تصریح می‌کند که کنوانسیون اروپایی حقوق بشر باید تا جایی که ممکن است سازگار با سایر قواعد حقوق بین‌الملل که خود نیز بخشی از آن‌هاست از جمله قواعد مربوط به مصونیت دولت، تفسیر شود (Al-Adsani v. the United Kingdom, ECHR, Application No. 35763/97, Judgment of 21 November 2001, para. 55).

مخدوش کند.^۱

به هر حال، این اظهارنظر دیوان درباره مسئله مصونیت تحت عهدنامه مودت متمایز از طرز عمل دیوان در قضایایی از جمله قضیه «لاگرانده» و قضیه «تعهد به محاکمه یا استرداد» است. در آن قضایا دیوان، مقررۀ معاهداتی را با توجه به ماهیت تعهدات مورد بحث و فلسفۀ وجودی آن تعهدات، در مفهوم نانوشته‌اش تفسیر نمود (Hosseinnejad and Askary, 2019). در قضیه «لاگرانده»، دیوان با اشاره به مفاد ماده ۳۶ کنوانسیون روابط کنسولی (۱۹۶۳) از جمله لزوم اطلاع حق برخورداری از کمک‌های کنسولی دولت متبوع به فرد بازداشت شده و نیز حق مخالفت او با رایۀ کمک‌های کنسولی و با عطف توجه به فلسفۀ وجودی این حق اعلام نمود که این مقررۀ «حقوق فردی» ایجاد می‌کند.^۲ در حالی که در مقدمۀ کنوانسیون مزبور تصریح شده بود که کنوانسیون، برای منتفع نمودن افراد ایجاد نشده است. همچنین، دیوان در قضیه «تعهد به محاکمه یا استرداد» بیان می‌کند که علی‌رغم سکوت ماده ۷ (۱) کنوانسیون منع شکنجه (۱۹۸۴) در خصوص محدوده زمانی اجرای تعهد مورد بحث، موضوع و هدف کنوانسیون ایجاب می‌کند که اجرای این تعهد در یک «زمان معقول» انجام گیرد.^۳ همچنین، در خصوص پذیرش مفهوم مخالف در رویۀ دیوان بین‌المللی دادگستری باید به قضیه «نیکاراگوئه علیه کلمبیا» اشاره کرد که دیوان اعلام می‌کند که پذیرش مفهوم مخالف از یک مقررۀ تنها زمانی امکان‌پذیر است که ارأئه چنین تفسیری با سایر مقررات مرتبط عهدنامه، سیاق آن‌ها و موضوع و هدف عهدنامه تناسب داشته باشد.^۴ در آن قضیه، دیوان به این نتیجه می‌رسد که اگر به دولت ثالث (السالوادور) اجازه داده شود که طرف دعوا باشد، دولت ثالث می‌تواند حقوقش را که در تصمیم آتی دیوان تبیین می‌گردد، مطالبه کند و مطابق ماده ۵۹ اساسنامۀ دیوان، جنبه‌هایی از تصمیم دیوان که برای آن‌ها، اجازه ورود

1. Certain Iranian Assets (Iran v. USA), I.C.J. Reports 2019, Separate Opinion of Judge ad hoc Momtaz, paras. 11, 13, 15-16.

2. LaGrand Case (Iran v. USA), I.C.J. Reports 2001, paras. 75, 77.

3. Questions relating to the Obligation to Prosecute or Extradite (Belgium v. Senegal), I.C.J. Reports 2012, para. 114.

4. Alleged Violations of Sovereign Rights and Maritime Spaces in the Caribbean Sea (Nicaragua v. Colombia), Preliminary Objections, Judgment, I.C.J. Reports 2016, para. 37; Question of the Delimitation of the Continental Shelf between Nicaragua and Colombia beyond 200 Nautical Miles from the Nicaraguan Coast (Nicaragua v. Colombia), Preliminary Objections, Judgment, I.C.J. Reports 2016, para. 35.

به ثالث داده شده است، برای طرف ثالث نیز الزام آور خواهد بود. سپس دیوان می‌گوید که مفهوم مخالف این نتیجه‌گیری آن است که اگر به یک دولت غیر طرف دعوا اجازه ورود به دعوا داده شود، آن دولت هیچ حقوقی کسب نمی‌کند و مخاطب هیچ تعهداتی قرار نمی‌گیرد.^۱ قاضی جمشید ممتاز در نظریه جداگانه خود ضمن انتقاد از نتیجه‌گیری دیوان در خصوص «مفهوم مخالف» بیان می‌کند که در تفسیر یک سند، علاوه بر قواعد اصلی و فرعی تفسیر مندرج در مواد ۳۱ و ۳۲ کنوانسیون حقوق معاهدات (۱۹۶۹) که حصری هم نیستند، اصول دیگری نیز وجود دارد که باید مورد توجه قرار بگیرند؛ اصولی چون «مفهوم مخالف» و این که «دادگاه باید مقررات مبهم، متعارض یا مورد اختلاف یک سند حقوقی را به گونه‌ای تفسیر کند که به بهترین وجه از معتبر بودن و مؤثر بودن سند حمایت کند.»^۲ در مقابل، قاضی اختصاصی آمریکا آقای برور بیان می‌کند که وقتی موضوع به صراحت در یک سند حقوقی تصریح می‌شود، فرض می‌شود که موضوعات مشابه عمداً مورد توجه قرار نگرفته‌اند.^۳ در عهدنامه مودت ایران-آمریکا نیز اگر طرف‌های عهدنامه، قصد پیش‌بینی مصونیت دولتین را در این عهدنامه اقتصادی داشتند، آن را آشکارا و مستقیم انجام می‌دادند.^۴

باری، سومین مقررره مورد استناد ایران در مورد مسئله مصونیت، ماده ۳ (۲) عهدنامه مودت است. طبق این ماده، اتباع و شرکت‌های هر یک از طرف‌های عهدنامه در دسترسی به دادگاه‌ها و نهادهای اداری و اجرایی در سرزمین طرف دیگر - در همه مراجع یا برای دفاع یا مطالبه حقوق - آزاد خواهند بود تا عدالت، بی‌طرفانه و بی‌درنگ اجرا شود و در هیچ صورتی نباید این دسترسی تحت شرایطی نامساعدتر از شرایطی قرار گیرد که برای اتباع و شرکت‌های دول ثالث در نظر گرفته شده است. شرکت‌هایی که در کشور طرف عهدنامه فعالیت نمی‌کنند نیز بدون هیچ پیش‌شرطی در خصوص ثبت و بومی بودن، محق به برخورداری از چنین دسترسی خواهند بود. ایران استدلال می‌کند که برای بررسی این که آیا آمریکا این حق دسترسی را تأمین کرده یا نه، باید دید که آیا

1. Territorial and Maritime Dispute (Nicaragua v. Colombia), Application by Honduras for Permission to Intervene, I.C.J. Reports 2011, para. 29.

2. ut res magis valeat quam pereat.

3. expressio unius est exclusio alterius.

4. Certain Iranian Assets (Iran v. USA), I.C.J. Reports 2019, Separate Opinion of Judge ad hoc Brower, paras. 15-16.

ممانعت آمریکا از حق واحدها یا مؤسسه‌های ایرانی در استفاده از مصونیت (در مقام دفاع در دادگاه‌های آمریکا) مطابق حقوق بین‌الملل عرفی است؟^۱ همچنین، واحدها و مؤسسه‌های کشورهای دیگر که به اعمال حاکمیتی اشتغال دارند - به خصوص بانک‌های مرکزی - می‌توانند به مصونیت قضایی و اجرایی خود نزد دادگاه‌های آمریکا استناد کنند و تنها بانک مرکزی ایران است که به موجب بخش ۵۰۲ «قانون کاهش تهدید ایران و حقوق بشر سوریه (۲۰۱۲)» از این حق محروم شده است.^۲ در مقابل آمریکا ضمن رد استدلال ایران بیان می‌کند که آزادی دسترسی به دادگاه که در عهدنامه مودت پیش‌بینی شده، به این معنا نیست که برخی مؤسسه‌ها نباید تحت تعقیب قرار گیرند یا این‌که اموال آن‌ها نباید توقیف شود، بلکه حق دسترسی به دادگاه تنها متضمن اجازه دسترسی به دادگاه است و هیچ‌گونه حقوق یا تضمین در خصوص دفاعیاتی که ممکن است در دادگاه مطرح شود، اعطا نمی‌کند. دیوان تصریح می‌کند که نه از معنای متداول عبارات ماده ۳ (۲) و نه از سیاق آن‌ها و نه در پرتو موضوع و هدف عهدنامه مودت این نتیجه حاصل نمی‌گردد که تعهد آمریکا به اعطای دسترسی آزاد شرکت‌های ایرانی به دادگاه‌های آمریکایی متضمن تعهد به رعایت مصونیت آن‌ها طبق حقوق بین‌الملل عرفی نیز هست و این‌ها دو موضوع متمایز از یکدیگرند. در واقع، ماده ۳ (۲) در پی تضمین حقوق شکلی یا ماهوی که شرکت‌ها یا مؤسسه‌های هر طرف با مراجعه به دادگاه‌ها یا مراجع طرف دیگر عهدنامه به دنبال آن است، بلکه در عهدنامه تنها دسترسی به دادگاه‌ها یا مراجع مزبور مدنظر است.^۳

چهارمین مقرره که ایران به آن استناد می‌کند ماده ۴ (۱) است. بر اساس این مقرره، طرف‌های عهدنامه همواره «رفتار عادلانه و منصفانه»^۴ نسبت به اتباع و شرکت‌های طرف دیگر و اموال آن‌ها خواهند داشت و از اتخاذ تدابیر غیرمعقول و تبعیض‌آمیزی که به حقوق مکتسبه قانونی آن‌ها لطمه زند، امتناع خواهند کرد و تضمین می‌کنند که برای حقوق قراردادی قانونی آن‌ها، ابزارهای اجرایی مؤثر - در راستای قوانین لازم‌الاجرا - فراهم گردد. به نظر ایران، نادیده گرفتن مصونیت حاکمیتی واحدها و مؤسسه‌های ایرانی بر اساس

1. Certain Iranian Assets (Iran v. USA), I.C.J. Reports 2019, para. 67.

2. Verbatim Record of 10 October 2018 (Samuel Wordsworth), pp. 14-15, para. 14.

3. Certain Iranian Assets (Iran v. USA), I.C.J. Reports 2019, paras. 68, 70.

4. Fair and Equitable Treatment.

حقوق بین‌الملل عرفی می‌تواند نقض تعهد به انجام رفتار عادلانه و منصفانه و خودداری از اتخاذ تدابیر تبعیض‌آمیز و غیرمعقول قلمداد گردد. اما آمریکا معتقد است که ماده ۴ (۱) یک مقررۀ متداول در معاهدات مودت، کشتیرانی و بازرگانی است و به‌منظور ارائه حمایت‌های مشخص به اتباع و شرکت‌های یک طرف در فعالیت‌های اقتصادی حرفه‌ای و شخصی آن‌ها در سرزمین طرف دیگر پیش‌بینی شده است. دیوان به استدلال‌های ارائه شده از سوی طرف‌ها در خصوص بند نخست ماده ۴ نمی‌پردازد و صرفاً به ذکر این نکته بسنده می‌کند که به دلایلی مشابه دلایلی که در خصوص ماده ۴ (۲) بیان شد، ادعای ایران در خصوص شمول مصونیت دولتی در قلمرو موضوعی ماده ۴ (۲) را نمی‌تواند بپذیرد.^۱

آخرین مقرره‌ای که ایران در این بخش به آن متوسل می‌شود ماده ۱۰ (۱) است که به‌موجب آن، تعهد به آزادی تجارت و دریانوردی میان طرف‌های عهدنامه مقرر شده است. به نظر ایران، احراز صلاحیت دیوان در خصوص این‌که آیا آمریکا آزادی تجارت را رعایت نموده است یا خیر، متضمن صلاحیت نسبت به احراز این امر است که آیا مصونیت حاکمیتی بر اساس حقوق بین‌الملل عرفی رعایت شده است یا خیر. ایران با اشاره به طرز عمل دیوان در قضیه «سکوه‌های نفتی» اعلام می‌کند که دیوان، مفهوم گسترده‌ای از «آزادی تجارت» را پذیرفته است؛ چراکه در دعوی متقابل آمریکا در قضیه مزبور در مورد مجموعه‌ای از حملات مسلحانه ادعایی از سوی ایران، این مقررۀ را مبنای کار قرار داد.^۲ آمریکا در پاسخ بیان می‌کند که آزادی تجارت مربوط به رفتار با کشتی‌ها و محموله‌هایی است که آن‌ها حمل می‌کنند و ماده ۱۰ (۱) که مربوط به تجارت واقعی و فعالیت‌های جنبی است که به‌طور مستقیم از آن ناشی می‌شوند و نمی‌تواند مصونیت حاکمیتی را نیز شامل شود. دیوان در این خصوص اعلام می‌کند که هیچ دلیلی وجود ندارد که در این قضیه، تفسیری متمایز از آنچه در قضیه «سکوه‌های نفتی» در خصوص مفهوم «آزادی تجارت» گفته شد، پذیرفته شود.^۳ دیوان در قضیه «سکوه‌های نفتی» تصریح نموده بود که آزادی تجارت، کلیۀ مبادلات تجاری - نه صرفاً تجارت دریایی - را دربر می‌گیرد و کلمه تجارت، نه در عرف تجاری و نه در معنای حقوقی آن محدود به خرید یا فروش نمی‌شود و معاهدات اقتصادی، طیف وسیعی از موضوعات از جمله حق

1. Certain Iranian Assets (Iran v. USA), I.C.J. Reports 2019, paras. 71-74.

2. Verbatim Record of 10 October 2018 (Samuel Wordsworth), p. 22, para. 38.

3. Certain Iranian Assets (Iran v. USA), I.C.J. Reports 2019, paras. 76-77, 79.

بر ایجاد و انجام تجارت را پذیرفته‌اند.^۱ دیوان ضمن تکرار یافته‌های خود در خصوص ماده ۱۰ (۱) عهدنامه مودت، بیان می‌کند که نقض مصونیت حاکمیتی واحدها و مؤسسه‌های دولتی که به اعمال حاکمیتی می‌پردازند، ربطی به آزادی تجارت مندرج در ماده ۱۰ (۱) ندارد و آن‌ها را مختل نمی‌کند؛ چراکه موضوع این ماده به فعالیت‌هایی از جنس متفاوت مربوط می‌شود.^۲

در نهایت، دیوان در نتیجه‌گیری پایانی خود اعلام می‌کند که هیچ‌کدام از مواد مورد استناد ایران، مسئله مصونیت دولتی را که در حقوق بین‌الملل عرفی تضمین شده است، به‌عنوان یک موضوع مربوط به تفسیر و اجرای عهدنامه مودت در قلمرو ماده ۲۱ (۲) و در نتیجه در صلاحیت دیوان قرار نمی‌دهد و بنابراین، دیوان ایراد مقدماتی دوم ایالات متحده آمریکا را - با رأی ۱۱ به ۴ رأی - می‌پذیرد.^۳ باید به این نکته توجه داشت که دیوان در این مرحله از رسیدگی، به این مسئله نپرداخت که آیا بانک‌های مرکزی در سرزمین دولت‌های خارجی، از مصونیت برخوردارند یا خیر، بلکه صرفاً قصد پاسخ به این مسئله را داشت که آیا چنین مصونیتی را می‌تواند در عهدنامه مودت به‌عنوان مبنای سند مبنای صلاحیت خود بیابد تا پس از احراز صلاحیت، در مرحله رسیدگی ماهیتی به مسئله نخست بپردازد؟ این امر، مورد انتقاد قاضی گئورگین قرار می‌گیرد. او در نظریه جداگانه‌اش که به رأی دیوان ضمیمه نمود، بیان می‌کند که دیوان باید صلاحیتش نسبت به رسیدگی به ادعاهای ایران در خصوص مصونیت را بر اساس مواد ۳ (۲) و ۱۰ (۱) عهدنامه می‌پذیرفت. او با تکرار اظهار نظر دیوان در قضیه «سکوه‌های نفتی» (معاهدات با ماهیت اقتصادی، طیف وسیعی از موضوعات مرتبط با تجارت را دربر می‌گیرند) می‌گوید با توجه به نقش اساسی بانک مرکزی در اجرای مؤثر مبادلات اقتصادی شرکت‌های ایرانی با آمریکا، پیامد مستقیم نادیده گرفتن مصونیت ایران و شرکت‌های ایرانی به‌واسطه اتخاذ برخی تدابیر، نقض «آزادی تجارت» مندرج در ماده ۱۰ (۱) عهدنامه مودت است. همچنین، تدابیر اتخاذ شده از سوی آمریکا، بانک مرکزی ایران را از یک دفاع شکلی مقدماتی - استناد به مصونیت - محروم می‌کند که این امر، شرایط

1. Oil Platforms (Iran v. USA) (Preliminary Objection, Judgment, I.C.J. Reports 1996, paras. 45-46.

2. Certain Iranian Assets (Islamic Republic of Iran v. United States of America), I.C.J. Reports 2019, para. 79.

3. Certain Iranian Assets (Iran v. USA), I.C.J. Reports 2019, paras. 80, 126(2).

نامساعدتری را برای بانک مرکزی ایران در مقایسه با سایر بانک‌های مرکزی که در آمریکا فعالیت می‌کنند، فراهم می‌آورد.^۱

۳-۱. عدم شمول عهدنامه به بانک مرکزی به واسطه عدم تلقی آن به عنوان «شرکت» دولت خوانده (آمریکا) در ایراد سوم خود بیان می‌کند که بانک مرکزی ایران به این سبب که اعمال صرفاً حاکمیتی را انجام می‌دهد و به فعالیت‌های ماهیتاً تجاری نمی‌پردازد، اساساً «شرکت» در مفهوم مواد ۳، ۴ و ۵ عهدنامه مودت محسوب نمی‌شود و خارج از قلمرو این مواد قرار می‌گیرد و دیوان باید بر همین اساس، کلیه ادعاهای ایران در مورد نقض این سه ماده را خارج از صلاحیت خود اعلام کند. در این قضیه، اهمیت تلقی بانک مرکزی به عنوان یک «شرکت» در چارچوب عهدنامه مودت از این جهت است که عهدنامه مودت، حق‌هایی را برای شرکت‌ها بر شمرده است که اگر بانک مرکزی، شرکت قلمداد شود از آن‌ها برخوردار خواهد بود و در نتیجه می‌توان نقض این حق‌ها از سوی ایالات متحده را به دیوان ارجاع کرد. این حق‌ها عبارتند از: آزادی دسترسی به دادگاه و نهادهای اداری و اجرائی به منظور مطالبه یا دفاع از حقوقشان (ماده ۳ (۲))، حق بر رفتار عادلانه و منصفانه و منع رفتار تبعیض‌آمیز یا غیرمعقول (ماده ۴ (۱))، حداکثر حمایت دائمی از اموال شرکت‌ها که کمتر از مقتضیات حقوق بین‌الملل نباشد و حق بر عدم توقیف این اموال جز با پرداخت فوری یک غرامت عادلانه و جز برای یک هدف عمومی (ماده ۴ (۲))، حفاظت از اماکن مورد استفاده شرکت‌ها از ورود یا مزاحمت بدون دلیل موجه و ورود صرفاً بر اساس قانون (ماده ۵ (۳))، منع رفتار تبعیض‌آمیز با سرمایه‌گذاری شرکت‌ها در مقایسه با سرمایه‌گذاری شرکت‌های دولت‌های ثالث در فعالیت‌های مشابه (ماده ۵ (۴)) و منع رفتار تبعیض‌آمیز در خصوص حق شرکت‌ها در اجاره یا فروش اموال منقول یا غیرمنقولشان در مقایسه با شرکت‌های دولت‌های ثالث (ماده ۵).

آمریکا برای اثبات مدعای خود به «قانون پولی و بانکی ایران (۱۳۳۹)» اشاره می‌کند که بانک مرکزی را تحت کنترل کامل دولت ایران می‌داند و کارکردهای صرفاً حاکمیتی به آن اعطا می‌کند و این که بانک مرکزی حتی به عنوان نماینده ایران در سازمان‌های بین‌المللی همچون «صندوق بین‌المللی پول» حاضر می‌شود.^۲ همچنین، آمریکا بیان

1. Certain Iranian Assets (Iran v. USA), I.C.J. Reports 2019, Separate Opinion of Judge Gevorgian, paras. 9-12.

2. Certain Iranian Assets (Iran v. USA), I.C.J. Reports 2019, para. 82; Verbatim Record of 8

می‌کند که در جریان دعاوی که در دادگاه‌های آمریکا مطرح بوده، بانک مرکزی همواره خود را به‌عنوان یک موجودیت فعال در ظرفیت حاکمیتی – نه یک شرکت یا بنگاه اقتصادی – معرفی می‌کند^۱ و غیر قابل باور است که بپذیریم ایران هیچ نقشی در استدلال‌های بانک مرکزی در دعاوی که در آن میلیاردها دلار در معرض خطر بوده (رسیدگی به قضیه «پترسون» در دادگاه‌های داخلی آمریکا)، نداشته است.^۲ وکیل آمریکا آقای چیلدرس بیان می‌کند که از یک طرف، بانک مرکزی به‌عنوان یک شرکت محق به بهره‌مندی از حمایت‌های عهدنامه مودت معرفی می‌شود و از طرف دیگر، ایران آن را به‌عنوان یک دستگاه حاکمیتی برخوردار از مصونیت بر اساس عهدنامه مودت می‌داند. او ایران را به فردی تشبیه می‌کند که هم می‌خواهد کیک را بخورد و هم آن را نگه دارد. به عقیده او خوانش با حسن نیت از معنای متداول عبارات عهدنامه و در سیاق و در پرتو موضوع و هدف آن^۳ اجازه نمی‌دهد که یک موجودیت دولتی بتواند به‌صرف استقلال شخصیت حقوقی، از حمایت‌های ارائه شده برای شرکت‌های خصوصی بهره‌مند شود و موضوع و هدف عهدنامه مودت نشان می‌دهد که طرف‌های آن قصد نداشته‌اند مؤسسه‌های دولتی را که کارکردهای حاکمیتی دارند به‌عنوان شرکت قلمداد نماید.^۴

در مقابل، ایران ضمن تأکید بر ماهیت بانک مرکزی به‌عنوان یک شرکت، بیان می‌کند که ماده ۳ (۱) عهدنامه مودت، تعریف بسیار موسعی از مفهوم «شرکت» پذیرفته است و هر موجودیتی را که بر اساس نظام حقوقی‌ای که در آن ایجاد شده و دارای شخصیت حقوقی باشد – فارغ از فعالیت یا ساختار آن – دربر می‌گیرد. همچنین، بانک مرکزی ایران طبق ماده ۱۰ «قانون پولی و بانکی» دارای شخصیت حقوقی است و

October 2018 (Donald Earl Childress), p. 54, para. 44.

1. Certain Iranian Assets (Iran v. USA), I.C.J. Reports 2019, para. 94.

در جریان رسیدگی به قضیه «پترسون» در دادگاه‌های آمریکا، دولت آمریکا در قالب تأسیس «دوست دادگاه» (amicus curiae) در دیوان عالی آمریکا حاضر شد و این تفسیر را از عهدنامه مودت ایران-آمریکا ارائه کرد: «خوانش منطقی از عهدنامه مودت، موجودیت‌هایی همچون بانک مرکزی را شامل نمی‌گردد؛ چراکه بانک مرکزی ایران، یک کارگزار دولتی است که اعمال حاکمیتی انجام می‌دهد.» (Brief for the United States as Amicus Curiae, p. 22, Bank Markazi, aka Cent. Bank of Iran v. Deborah Peterson et al. (No. 14-770) (S. Ct. Aug. 2015), POUS, Ann. 238).

2. Verbatim Record of 8 October 2018 (Donald Earl Childress), p. 54, para. 43.

3. Vienna Convention on the law of treaties 1969, art. 31 (1).

4. Verbatim Record of 8 October 2018 (Donald Earl Childress), pp. 43, 45, paras. 8, 16.

تابع مقررات شرکت‌های سهامی - نه مقررات دستگاه‌های عمومی - است. به‌علاوه، بانک مرکزی به‌عنوان یک واحد و مؤسسه به دولت مالیات می‌پردازد و می‌تواند مانند هر شخص حقوقی هر نوع قراردادی منعقد نموده یا خدمات و کالاها را خرید و فروش کند و نزد دادگاه حاضر شود. یکی از وکلای ایران خانم فیلیپا وب در این مورد گفت دادگاه استیناف آمریکا در قضیه «فلاتو»^۱ استقلال شخصیت حقوقی بانک صادرات از دولت ایران را پذیرفته و ماده ۱۶۱۱ (ب) (۱) قانون آمریکا در مورد مصونیت دولت‌های خارجی (۱۹۷۶) نیز جز در صورت اعراض صریح بانک خارجی، مصونیت آن را غیر قابل خدشه اعلام کرده است.^۲ ایران به‌عنوان استدلال جایگزین اضافه می‌کند که ایراد مقدماتی سوم آمریکا «ویژگی صرفاً مقدماتی»^۳ ندارد و دیوان باید پس از استماع ادله طرف‌ها در مرحله رسیدگی ماهیتی در این خصوص اظهار نظر کند.^۴

دیوان ایراد آمریکا را رد کرد و گفت موجودیت‌هایی که به‌طور جزئی یا کلی تحت مالکیت دولت هستند می‌توانند «شرکت» در مفهوم عهدنامه مودت قلمداد شوند و این واقعیت که دولت، فعالیت‌های بانک را هدایت و به دقت کنترل می‌کند، به خودی خود اثبات‌کننده این نیست که آن بانک از شمول مفهوم «شرکت» در معنای عهدنامه مودت خارج می‌شود. البته دیوان استدلال ایران در خصوص بی‌اهمیت بودن ماهیت فعالیت‌های انجام شده را نمی‌پذیرد و اعلام می‌کند که مؤسسه‌ای که فعالیت‌های صرفاً حاکمیتی و مرتبط با کارکردهای حاکمیتی دولت را انجام می‌دهد نمی‌تواند به‌عنوان شرکت در مفهوم عهدنامه مودت قلمداد شده و از حقوق و مزایای پیش‌بینی شده در آن عهدنامه بهره‌مند شود.^۵ به عبارت دیگر، به عقیده دیوان، نوع فعالیت هر مؤسسه یا موجودیت تعیین‌کننده خواهد بود. از این‌رو، حتی اگر اشتغال اصلی یک شخص حقوقی، ماهیت اقتصادی نداشته باشد، اما تا جایی که این شخص فعالیت‌های اقتصادی انجام می‌دهد، «شرکت» در معنای عهدنامه مودت قلمداد می‌شود.^۶ علی‌القاعده، دیوان با این نتیجه‌گیری باید به سراغ این امر می‌رفت که ماهیت فعالیت‌های بانک مرکزی در

1. Flatow v. Islamic Republic of Iran, United States Court of Appeals, Ninth Circuit, 308 F.3d 1065 _ App. B69.

2. Verbatim Record of 10 October 2018 (Philippa Webb), p. 45, para. 7.

3. Exclusively Preliminary Character.

4. Certain Iranian Assets (Iran v. USA), I.C.J. Reports 2019, para. 83.

5. Certain Iranian Assets (Iran v. USA), I.C.J. Reports 2019, paras. 87-88, 90-91.

6. Certain Iranian Assets (Iran v. USA), I.C.J. Reports 2019, para. 92.

آمریکا چه بوده است. اما دیوان ضمن اعلام این که همه واقعاتی‌های مورد نیاز برای احراز این وضعیت را در دست ندارد و برخی از این واقعاتها به صورت تنگاتنگ با مرحله رسیدگی ماهیتی مرتبط هستند، با اکثریت ۱۱ رأی موافق نسبت به ۴ رأی مخالف تصمیم گرفت که ایراد مقدماتی سوم را تنها پس از استماع استدلال‌های طرف‌های اختلاف در مرحله رسیدگی ماهوی رسیدگی و تعیین تکلیف کند و با توجه به اوضاع و احوال قضیه، این ایراد آمریکا یک ویژگی صرفاً مقدماتی ندارد.^۱

نکته ظریف حقوقی این است که وظیفه دیوان در این مرحله از رسیدگی (صلاحیت) این نیست که تعیین کند که آیا برخی حقوق بانک مرکزی نقض شده است یا خیر؛ زیرا این پرسش، ماهوی است. دیوان باید در مرحله رسیدگی صلاحیتی احراز کند که آیا همان‌طور که ایران ادعا می‌کند، برای بانک مرکزی در عهدنامه مودت حقوقی قابل تصور است یا خیر و اگر چنین حقوقی وجود دارد و بین طرف‌ها «اختلاف» وجود دارد، دیوان برای رسیدگی به نقض آن‌ها در مرحله ماهیتی، صلاحیت دارد؟ قاضی کرافورد و قاضی تومکا به‌عنوان مخالفان این اظهارنظر، یک نظریه جداگانه مشترک به رأی دیوان ضمیمه نمودند و در آن به ارائه دلایل مخالفت خود پرداختند. آن‌ها دو نکته را مطرح کردند: نخست آنکه تعریف «شرکت» در عهدنامه مودت به هیچ وجه به ماهیت فعالیت‌های یک مؤسسه برای احراز شرکت بودن آن اشاره نمی‌کند.^۲ همچنین آن‌ها معتقدند که این ایراد آمریکا یک ایراد صرفاً مقدماتی بود که دیوان اطلاعات لازم برای تصمیم‌گیری نسبت به آن را در اختیار داشت و محول کردن تصمیم‌گیری نسبت به این موضوع به مرحله رسیدگی ماهیتی ممکن است دیوان را با شرایطی مواجه کند که در قضیه

1. Certain Iranian Assets (Iran v. USA), I.C.J. Reports 2019, para. 97.

این نتیجه‌گیری دیوان مسبوق به سابقه است و در رویه دیوان می‌توان مثال‌هایی را در این خصوص ذکر نمود. برای مثال، دیوان در قضیه «لاکربی» بیان می‌کند در شرایطی که ایراد مقدماتی به‌نحو نزدیکی با رسیدگی ماهوی مرتبط است، دیوان به‌ناچار باید آن ایراد را در مرحله رسیدگی ماهیتی بررسی کند (Questions of Interpretation and Application of the 1971 Montreal Convention arising from the Aerial Incident at Lockerbie (Libyan Arab Jamahiriya v. United Kingdom), Preliminary Objections, Judgment, I.C.J. Reports 1998, paras. 49-50). چراکه بر اساس آیین دادرسی دیوان، یک ایراد مقدماتی که مستلزم رسیدگی در مرحله رسیدگی صلاحیتی است، باید ویژگی صرفاً مقدماتی داشته باشد (Rule of the International Court of Justice, art. 79).

۲. طبق تعریف ارائه شده در ماده ۳ (۱) عهدنامه مودت، «شرکت» شامل مؤسسه‌ها، شرکت‌ها و سایر انجمن‌هاست، فارغ از این که مسئولیت محدود یا منفعت مالی داشته یا نداشته باشند.

«بارسلونا تراکشین» ایجاد کرده بود و این بر خلاف ماده ۷۹ (۹) آیین دادرسی دیوان است که در سال ۱۹۷۸ جایگزین ماده ۶۲ (۵) آیین دادرسی سابق شده بود. در قضیه «بارسلونا تراکشین»، دیوان رسیدگی به ایراد مقدماتی در خصوص سمت خواهان را با یک رأی اکثریت ضعیف از سوی قضاوت - نه رأی موافق در مقابل هفت رأی مخالف - به مرحله رسیدگی ماهیتی ملحق نمود، اما شش سال بعد در مرحله رسیدگی ماهیتی به این نتیجه رسید که خواهان فاقد سمت برای طرح دعواست و در نتیجه، در خصوص سایر جنبه‌های قضیه نیز نمی‌تواند تصمیم‌گیری کند.^۱ قاضی کرافورد و قاضی تومکا نسبت به این بخش از اظهارنظر دیوان که اعلام کرده بود باید ماهیت فعالیت بانک مرکزی ایران در زمان نقض تعهدات آمریکا بررسی شود،^۲ نیز ایراد می‌کنند و معتقدند که فعالیت‌های بانک مرکزی در زمان نقض ادعایی، موضوع اختلاف نیست، بلکه اتخاذ تدابیر اجرائی از سوی آمریکا علیه اموال بانک به منظور اجرای آراء صادره از دادگاه‌های آمریکایی علیه ایران، محل اختلاف است.^۳ قاضی براور به‌عنوان قاضی اختصاصی آمریکا ضمن اعلام موافقت کامل خود با نظریه جداگانه مشترک مزبور، بیان می‌کند که هم طرف‌های اختلاف، زمان و موقعیت کافی برای توجیه ادله خود داشتند و هم دیوان اطلاعات لازم را برای تصمیم‌گیری در اختیار داشت و از این‌رو، دیوان در تعیین ویژگی انحصاراً مقدماتی این ایراد دچار اشتباه شده است.^۴

۲. ایرادهای مقدماتی ایالات متحده آمریکا: عدم قابلیت پذیرش دعوا

ایالات متحده آمریکا در مورد عدم قابلیت پذیرش دعوا (با هدف رد دادخواست ایران در کلیت آن) دو ایراد «سوءاستفاده از روند دادرسی»^۵ و «عدم پاکدستی مدعی»^۶ را مطرح کرده است.

1. Barcelona Traction, Light and Power Company, Limited (Belgium v. Spain), I.C.J. Reports 1970, p. 51, para. 102.
2. Certain Iranian Assets (Iran v. USA), I.C.J. Reports 2019, para. 97.
3. Certain Iranian Assets (Iran v. USA), I.C.J. Reports 2019, Joint separate Opinion of Judges Tomka and Crawford, paras. 1-4, 6, 10.
4. Certain Iranian Assets (Iran v. USA), I.C.J. Reports 2019, Separate Opinion of Judge ad hoc Brower, paras. 24, 32.
5. Abuse of Court.
6. Clean Hands.

۲-۱. سوءاستفاده از روند دادرسی

دولت آمریکا در لایحه تفصیلی خود، ایراد «سوءاستفاده از حق»^۱ را مطرح کرده بود که به ترتیب مطروحه چه بسا رد می‌شد، اما در جلسه استماع آن را به «سوءاستفاده از روند دادرسی» تغییر داد. احیاناً تغییر موضع آمریکا به سبب بی‌توجهی به رأی دیوان در قضیه «مصونیت‌ها و دادرسی‌های کیفری» بود.^۲ این اقدام آمریکا مورد اعتراض ایران نیز قرار گرفت. ایران استدلال می‌کند که بر اساس آیین دادرسی دیوان نمی‌توان یک ایراد جدید را در این مرحله از دادرسی (جلسه استماع) مطرح نمود.^۳ دیوان با اعلام این‌که این اقدام صرفاً بازتعریف یک وضعیت از قبل مطرح شده از سوی آمریکا است، ادعای ایران را نپذیرفت.^۴ آمریکا استدلال می‌کند که شرایط بنیادینی که عهدنامه مودت تحت آن منعقد گردید و به‌ویژه روابط کنسولی، اقتصادی و دوستانه‌ای که در آن مورد توجه بوده، امروزه وجود ندارد و رابطه دوستانه دولتی در چهارم نوامبر ۱۹۷۹ با اشغال سفارت آمریکا در تهران و گروگان‌گیری ۴۴۴ روزه کارکنان آن از هم گسسته شد.^۵ آمریکا می‌افزاید که ایران با توسل به این عهدنامه به دنبال اجرای حق‌های مندرج در عهدنامه نیست بلکه قصد دارد تا دیوان را در یک اختلاف استراتژیک گسترده‌تری گرفتار کند. همچنین، ادعاهای نامربوط ایران، هدف‌های عهدنامه مودت را واژگون ساخته است و هنگامی که ایران ادعاهای مربوط به مصونیت را مطرح می‌کند، در تلاش برای بازنویسی عهدنامه مودت است و این دولت، با دست بردن در عهدنامه مودت در نتیجه بی‌اعتنایی به موضوع و هدف آن، اصل اساسی حسن‌نیت را نقض می‌کند.^۶ نماینده رابط و وکیل آمریکا آقای ریچارد ویسک در جلسه استماع بیان می‌کند که شکایت خواهان در این خصوص که ایران نباید در دادگاه‌های آمریکا تحت رسیدگی قضایی قرار بگیرد، مسئله‌ای نیست که

1. Abuse of Right.

۲. دیوان بیان نموده بود که سوءاستفاده از حق نمی‌تواند به‌عنوان مبنایی برای عدم قابلیت پذیرش دعوا قرار بگیرد؛ چراکه اثبات حق به‌راستی یک موضوع ماهیتی است و اگر آن را در مرحله رسیدگی صلاحیتی بپذیریم، هر یک از طرف‌ها باید بدین منظور، حقوق و واقعیت‌هایی را اثبات کنند که در مرحله رسیدگی ماهیتی قصد استناد به آن‌ها را دارند (Immunities and Criminal Proceedings (Equatorial Guinea v. France), (Preliminary Objections, I.C.J. Reports 2018, para. 151).

3. Rules of International Court of Justice, art. 79 (1).

4. Certain Iranian Assets (Iran v. USA), I.C.J. Reports 2019, para. 104.

5. Verbatim Record of 8 October 2018 (Richard C. Visek), p. 17, para. 11.

6. Certain Iranian Assets (Iran v. USA), I.C.J. Reports 2019, paras. 107-108.

تحت عهدنامه مودت حل و فصل شود و دیوان با حکم به جبران برای چنین خواهانی (ایران) کمکی به محافظت از تمامیت فرآیند قضایی نمی‌کند.^۱

دیوان پس از بررسی موضوع می‌گوید که در این قضیه، شرایط استثنائی که رد دعوی ایران را بر اساس سوءاستفاده از روند دادرسی توجیه کند وجود ندارد.^۲ این نتیجه‌گیری دیوان در خصوص ایراد «سوءاستفاده از دادرسی»، منطبق با رویه سابقش نسبت به موضوع است. دیوان در رویه قبلی به این امر تصریح کرده بود که تنها در شرایط استثنائی، دعوا را به واسطه «سوءاستفاده از روند دادرسی» غیر قابل استماع اعلام می‌نماید.^۳ دیوان ادعای آمریکا در خصوص گسسته شدن عهدنامه مودت ایران-آمریکا را نیز نمی‌پذیرد. این رویکرد، مطابق رویه‌ای است که دیوان همواره نسبت به خاتمه یا لغو معاهدات بین‌المللی در پیش گرفته است. دیوان در قضایای متعدد، ادعاهای طرف‌های اختلاف در خصوص عدم تعهد به واسطه از بین رفتن معاهدات بین‌المللی را در اغلب موارد نپذیرفته و تلاش کرده با تفسیر مضیق از استثنائات خاتمه معاهدات، بر اصل لزوم «وفای به عهد»^۴ طرف‌های عهدنامه تأکید کند. البته شاید این تصور به وجود آید که دیوان برای توسعه صلاحیت خود، به این قبیل ایرادها توجه نمی‌کند و در خصوص عدم اعتبار معاهداتی که به آن اعطای صلاحیت می‌کنند، به تفسیر مضیق روی می‌آورد. اما رویه دیوان در مورد معاهداتی که چنین ویژگی‌ای را ندارند، این فرضیه را رد می‌کند. مثال بارز این وضعیت، طرز عمل دیوان در قضیه «گابچی‌کوو ناگیماروس» است. در قضیه مزبور که اختلاف میان دولت‌های اُسلوآکی و مجارستان نزد دیوان مطرح بود، مجارستان با ادعاهای «ممکن نبودن اجراء»^۵، «تغییر اوضاع و احوال زمان انعقاد»^۶ و نقض معاهده دوجانبه سال ۱۹۷۷ میان دو کشور از سوی طرف‌ها، سعی داشت در اعتبار معاهده مزبور خدشه وارد کند و آن را نفی نماید (بدآر، ۱۳۹۸، صص ۱۸۵ و ۱۹۱). اما دیوان ضمن رد تمامی ادعاهای مربوط به بی‌اعتباری معاهده ۱۹۷۷، اعلام کرد که اگرچه طرف‌های اختلاف، «خطاهای متقاطع»^۷ داشته و با عدم اجرای تعهدات

1. Verbatim Record of 8 October 2018 (Richard C. Visek), p. 14, para. 3.

2. Certain Iranian Assets (Iran v. USA), I.C.J. Reports 2019, paras. 113-114.

3. Immunities and Criminal Proceedings (Equatorial Guinea v. France), Preliminary Objections, I.C.J. Reports 2018, para. 150.

4. pacta sunt servanda.

5. Impossibility of Performance.

6. Rebus sic stantibus.

7. Intersecting Wrongs.

معاهداتی خود، معاهده را به‌طور مکرر نقض کرده‌اند، اما رفتار متخلفانه متقابل طرف‌ها نمی‌تواند سبب خاتمه معاهده یا مستمسکی برای پایان دادن به آن باشد، مگر این‌که طرف‌ها به‌طور مشترک رضایت به خاتمه معاهده دهند.^۱

۲-۲. عدم پاکدستی خواهان^۲

ریشه دکترین عدم پاکدستی مدعی را باید در اصول انصاف و حسن‌نیت جستجو نمود (Kreindler, 2010, p. 317). همچنین، مدلول این دکترین در برخی از اصول کلی حقوقی از جمله «عمل غیرقانونی نمی‌تواند مبنایی برای ادعای حقوقی قرار بگیرد»^۳، «هیچ دعوی نمی‌تواند مبتنی بر سبب ناپسند باشد»^۴ و «هیچ‌کس نمی‌تواند شرایط خود را با ارتکاب جرم بهبود ببخشد»^۵ مورد توجه قرار گرفته است (Llanzon, 2015, p. 316). آمریکا با این‌که اقرار می‌کند که دیوان سابقاً هرگز ایراد عدم پاکدستی مدعی را نپذیرفته است، اما تأکید می‌کند که دیوان هرگز آن را رد نیز نکرده است و اکنون زمان آن رسیده که دیوان آن را تصدیق و اجرا کند.^۶ آمریکا استدلال می‌کند که ایران که از تروریسم بین‌المللی پشتیبانی و حمایت می‌کند و در منطقه اقدامات بی‌ثبات‌کننده در مغایرت با منع اشاعه هسته‌ای، موشک‌های بالستیک و انباشت تسلیحات انجام می‌دهد، در این قضیه در واقع به دنبال جبران رأی پترسون است که به‌واسطه حمایت ایران از تروریسم صادر شده است.^۷ آقای بت لیم در جلسه استماع بیان می‌کند که عدم پاکدستی مدعی، یک جزء فرعی سوءاستفاده از دادگاه یا معادل آن در نظام حقوقی کامن‌لاست! او معتقد است دلیل این‌که چرا باید به‌واسطه عدم پاکدستی خواهان از پیگیری دعوا از سوی او جلوگیری شود این است که اجازه ادامه این رسیدگی، سوءاستفاده از دادرسی است (Verbatim Record of 8 October 2018 (Daniel Bethlehem), p. 56, para. 83). به‌رحال، دیوان ادعای عدم پاکدستی مدعی را به‌صورت متمایز از سوءاستفاده از دادگاه مورد توجه قرار می‌دهد.

1. Gabcikovo-Nagymaros Project (Hungary v. Slovakia), I.C.J. Reports 1997, paras. 114, 153.
۲. با این‌که ادعای عدم پاکدستی مدعی به‌صورت جداگانه‌ای از ادعای سوءاستفاده از دادگاه از سوی دولت آمریکا مطرح شد، وکیل آمریکا آقای بت لیم در جلسه استماع بیان می‌کند که عدم پاکدستی مدعی، یک جزء فرعی سوءاستفاده از دادگاه یا معادل آن در نظام حقوقی کامن‌لاست! او معتقد است دلیل این‌که چرا باید به‌واسطه عدم پاکدستی خواهان از پیگیری دعوا از سوی او جلوگیری شود این است که اجازه ادامه این رسیدگی، سوءاستفاده از دادرسی است (Verbatim Record of 8 October 2018 (Daniel Bethlehem), p. 56, para. 83). به‌رحال، دیوان ادعای عدم پاکدستی مدعی را به‌صورت متمایز از سوءاستفاده از دادگاه مورد توجه قرار می‌دهد.
3. ex delicto non oritur actio.
4. ex turpicausa non oritur actio.
5. nemo ex suo delicto meliorem suam conditionem est facit.
6. Certain Iranian Assets (Iran v. USA), I.C.J. Reports 2019, para. 117; Verbatim Record of 8 October 2018 (Daniel Bethlehem), pp. 56-57, para. 82, 86.
7. Certain Iranian Assets (Iran v. USA), I.C.J. Reports 2019, para. 116.

مقر تفنگداران نیروی دریایی آمریکا در لبنان (۱۹۸۳)، ترور چهار عضو حزب دموکراتیک کردستان ایران در رستوران «میکونوس»^۱ آلمان (۱۹۹۲) و انفجار مرکز یهودیان آرژانتین (آمیا)^۲ (۱۹۹۴) را به‌عنوان اعمال ارتكابی حزب‌الله لبنان معرفی می‌کند و سپس با اشاره به سخنان سیدحسین نصرالله (رهبر حزب‌الله لبنان) در ۲۵ ژوئن ۲۰۱۶، اقدامات مزبور را به دولت ایران منتسب می‌کند.^۳ او تأکید می‌کند که خواهانی که با سوءنیت به دادگاه می‌آید و برای صلاحیت دادگاه به یک عهدنامه دوستی استناد می‌کند تا اقدامات خود را توجیه کند، مبنای وجودی یک دادرسی عادلانه را به چالش می‌کشد.^۴ نمایندهٔ رابط و وکیل آمریکا آقای ویسک نیز برای اثبات عدم پاکدستی پاکدستی ایران، به دستگیری آقای/سده/سدی (دیپلمات ایرانی در اتریش) به اتهام مشارکت در طراحی بمب‌گذاری اجتماع ضد ایرانی در پاریس در ۳۰ ژوئن ۲۰۱۸ اشاره و ادعا می‌کند که ایران، حمایت تروریسم را در سطح جهان راهبری می‌کند.^۵

تیم حقوقی دولت ایران در مقابل این ادعاها ساکت نمی‌نشیند. نمایندهٔ رابط و وکیل ایران با اشاره به فهرست وقایع تروریستی از جمله کشتن دیپلمات‌های ایرانی در کابل به‌وسیلهٔ طالبان (۱۹۹۸)، عملیات تروریستی در مجلس ایران به‌وسیلهٔ داعش (۲۰۱۷) و عملیات تروریستی در اهواز (۲۰۱۸) که علیه ایران و اتباع ایرانی انجام شده است، می‌گوید که ایران قربانی اصلی تروریسم است و با استناد به بیانات رهبر ایران (آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای)^۶ اعلام می‌کند که ایران همواره تروریسم را محکوم کرده است.^۷ او همچنین در خصوص اتهامات مطروح علیه ایران به دیوان اعلام می‌کند اگر آمریکا

1. Mykonos.

2. Asociación Mutual Israelita Argentina (AMIA).

۳. سیدحسین نصرالله (رهبر حزب‌الله لبنان) در سخنرانی ۲۵ ژوئن ۲۰۱۶ خود اعلام می‌کند: «ما این واقعیت را علنی اعلام می‌کنیم که بودجهٔ حزب‌الله، درآمد، هزینه، سلاح‌ها، موشک‌ها و هر چیزی که می‌خوریم یا می‌آشامیم، همگی از جمهوری اسلامی ایران می‌آید.»

4. Verbatim Record of 8 October 2018 (Daniel Bethlehem), pp. 40-53, paras. 24-68; Verbatim Record of 11 October 2018 (Daniel Bethlehem), p. 11, para. 5.

5. Verbatim Record of 11 October 2018 (Richard C. Visek), p. 58, para. 14.

۶. رهبر ایران (آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای) در سخنرانی خود در محکومیت تروریسم بیان می‌کند: «کشتن مردم در هر مکان و با هر نوع سلاح از جمله سلاح‌های اتمی، موشک‌های دوربرد، سلاح‌های شیمیایی یا بیولوژیک، هواپیماهای جنگی یا مسافری که به‌وسیلهٔ هر سازمان، دولت یا فردی ارتکاب یابد، محکوم است و در این زمینه هیچ تفاوتی نمی‌کند که این جنایت‌ها در هیروشیما، ناکازاکی، غنا، صبرا، شتیتلا، دیر یاسین، بوسنی، کوزوو، عراق، نیویورک یا واشنگتن صورت بگیرد.»

7. Verbatim Record of 10 October 2018 (Mohsen Mohebi), pp. 16-17, paras. 22-23.

به‌راستی معتقد است که ایران اقدامات متخلفانه متعددی پس از انقلاب ایران انجام داده است، پس چرا - با این که می‌توانست - هیچ‌گاه شکایتی را علیه ایران در خصوص اقدامات مزبور در دیوان مطرح نکرد؟^۱ او تأکید می‌کند که فهرست طولانی از اقدامات تروریستی آمریکا و حمایت از جریان‌های معارض جمهوری اسلامی ایران وجود دارد اما موضوع این پرونده امر دیگری است و اظهارات آمریکا برای منحرف کردن دیوان است و ارزش پاسخ ندارد. قاضی ممتاز نیز به‌عنوان یکی از موافقان رویکرد ایران، در این خصوص به اظهارنظر دیوان در قضیه «مصونیت‌های صلاحیتی» چنین اشاره می‌کند: «مطابق حقوق بین‌الملل عرفی، یک دولت به‌واسطه این واقعیت که متهم به نقض حقوق بشر یا حقوق مخاصمات مسلحانه است، از مصونیت محروم نمی‌شود.»^۲

در نهایت، دیوان ایراد مبتنی بر عدم پاکدستی مدعی را رد می‌کند، اما بیان می‌کند که این اظهارنظر دیوان مانع طرح ادعاهای آمریکای در مرحله رسیدگی ماهیتی نمی‌شود.^۳

1. Verbatim Record of 12 October 2018 (Mohsen Mohebi), p. 37, para. 6.
2. Jurisdictional Immunities of the State (Germany v. Italy: Greece intervening), I.C.J. Reports 2012, para. 88.
3. Certain Iranian Assets (Iran v. USA), I.C.J. Reports 2019, paras. 123-124.

نتیجه

دیوان بین‌المللی دادگستری در رأی ۱۳ فوریه ۲۰۱۹ (۲۴ بهمن ۱۳۹۷) خود در قضیه «برخی اموال ایران»، صلاحیت خود را برای رسیدگی به ادعاهای ایران در خصوص نقض عهدنامه مودت ایران- آمریکا احراز نمود. در این رأی، دیوان به اتفاق آرا ایراد عدم صلاحیت دیوان بر اساس استثنای ماده ۲۰ (۱) عهدنامه مودت را نمی‌پذیرد. افزون بر این، دیوان می‌پذیرد که شرکت‌هایی که کار حاکمیتی می‌کنند می‌توانند مشمول عنوان «شرکت» در معنای عهدنامه مودت باشند. همچنین، دیوان با رد ایرادهای نسبت به عدم قابلیت استماع دعوای ایران بر اساس «سوءاستفاده از روند دادرسی» و «عدم پاکدستی خواهان»، صلاحیت خود را در این قضیه احراز می‌کند. با این‌که در جلسات استماع دیوان بحث‌های گسترده‌ای میان وکلای طرف‌های اختلاف در گرفت، تیم حقوقی آمریکا در دور دوم استماع، به این امر که ایران به برخی از ادعاها و اتهام‌های مطروح از سوی آمریکا پاسخ نداده، ایراد می‌کند که این ایراد با پاسخ قاطع نماینده رابط و وکیل ایران مواجه می‌شود. نماینده رابط ایران بیان می‌کند که این آمریکا نیست که تعیین می‌کند که ایران باید چه مطالبی در دادگاه بگوید و باید به هر استدلال بی‌ربط آمریکا پاسخ دهد، به‌خصوص به اتهام‌ها و مباحثی که آشکارا خارج از قلمرو عهدنامه مودت و دعوای مطروح هستند.^۱

یافته دیوان در خصوص عدم حمایت عهدنامه مودت از مصونیت‌های حاکمیتی قابل انتقاد است. در این زمینه ایران قصد داشت تا پس از اثبات حمایت عهدنامه مودت از مصونیت حاکمیتی، از حقوق بین‌الملل عرفی برای تبیین شروط این مصونیت و اعمال آن در قضیه مطروح استفاده نماید. البته در این مرحله از رسیدگی، ایران به حقوق بین‌الملل عرفی تنها به میزانی استناد می‌کند که برای تفسیر مواد عهدنامه مودت ضروری است. دیوان با اعلام این‌که عهدنامه مودت این قابلیت را ندارد تا از موضوع مصونیت حمایت کند، این خواسته ایران را خارج از صلاحیت خود قلمداد نمود. این در حالی است که دیوان در رویه سابق خود که از قضا به اختلاف میان همین طرف‌ها (ایران و آمریکا) و بر مبنای همین معاهده مطرح شده بود، پذیرفته بود که عهدنامه مودت این ظرفیت را دارد که حتی موضوعاتی از جمله توسل به زور در روابط میان دو دولت را تحت

1. Verbatim Record of 12 October 2018 (Mohsen Mohebi), p. 36, para. 4.

صلاحیت دیوان قرار دهد. علاوه بر این، تصمیم دیوان در تفسیر عهدنامهٔ مودت و رد ایرادهای مقدماتی آمریکا و پذیرش صلاحیت خود، علی‌رغم تنش‌های سیاسی پیچیده بین دولتین طرف دعوا به‌ویژه بی‌توجهی به ایرادها و ادعاهای سیاسی خوانندهٔ دعوی، در راستای سیاست قضایی دیوان در تحکیم صلح و امنیت بین‌المللی است.

فهرست منابع

الف. منابع فارسی

۱. بذآر، وحید؛ «تحلیل محتوای رأی دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه گابچیکوو ناگیماروس»، فصلنامه تعالی حقوق، شماره ۱۸، ۱۳۹۸.
۲. عبداللهی، محسن و شافع، میرشهبیز؛ مصونیت قضایی دولت در حقوق بین‌الملل، تهران، اداره چاپ و انتشارات ریاست جمهوری، ۱۳۸۶.
۳. عزیززی، ستار و بذآر، وحید؛ «دفاع مصونیت دولت پس از پذیرش ارجاع اختلاف به داوری بین‌المللی»، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، دوره ۴۹، شماره ۲، ۱۳۹۸.

ب. منابع خارجی

4. Hosseinnejad, Katayoun, & Askary, Pouria, "Interpretation of Implication: Some Observations on the Recent ICJ Decision in the Case of Certain Iranian Assets," 2019. (www.opiniojuris.org).
5. Kreindler, Richard, "Corruption in International Investment Arbitration: Jurisdiction and the Unclean Hands Doctrine," Between East and West: Essays in Honour of Ulf Franke-edited by Kaj Hober, Annette Magnusson and Marie Öhrström, Juris Publishing, 2010, pp. 281-323.
6. Llamzon, Aloysius, "Yukos Universal Limited (Isle of Man) v The Russian Federation: The State of the 'Unclean Hands' Doctrine in International Investment Law: Yukos as both Omega and Alpha," ICSID Review - Foreign Investment Law Journal, Vol. 30, Issue. 2, 2015, pp. 315-325.

Documents:

7. Foreign Sovereign Immunities Act (FSIA) 1976.
8. Iran Threat Reduction and Syria Human Rights Act (ITRSHRA) 2012.
9. Rule of the International Court of Justice.
10. United Nations Convention on Jurisdictional Immunities of States and Their Property 2004.
11. Vienna Convention on the law of treaties 1969.

Cases:

12. Al-Adsani v. the United Kingdom, ECHR, Application No. 35763/97, Judgment of 21 November 2001.
13. Alleged Violations of the Treaty of Amity, Economic Relations, and Consular Rights (Iran v. USA), Provisional Measures, Order of 3 October 2018, I.C.J. Reports 2018.
14. Armed Activities on the Territory of the Congo (New Application: 2002) (Democratic Republic of the Congo v. Rwanda), Jurisdiction and Admissibility, Judgment, I.C.J. Reports 2006.

15. Certain Iranian Assets (Islamic Republic of Iran v. United States of America), I.C.J. Reports 2019.
16. Flatow v. Islamic Republic of Iran, United States Court of Appeals, Ninth Circuit, 308 F.3d 1065 _ App. B69.
17. Gabčikovo-Nagymaros Project (Hungary v. Slovakia), I.C.J. Reports 1997.
18. Immunities and Criminal Proceedings (Equatorial Guinea v. France), Preliminary Objections, I.C.J. Reports 2018.
19. Jurisdictional Immunities of the State (Germany v. Italy: Greece intervening), I.C.J. Reports 2012.
20. LaGrand Case (Germany v. United States of America), I.C.J. Reports 2001.
21. Oil Platform Case (Iran v. USA), Preliminary Objection, I.C.J. Reports 1996.
22. Peterson v. Islamic Republic of Iran, United States District Court, District of Columbia, 30 May 2003, para. 92.
23. Question of the Delimitation of the Continental Shelf between Nicaragua and Colombia beyond 200 Nautical Miles from the Nicaraguan Coast (Nicaragua v. Colombia), Preliminary Objections, Judgment, I.C.J. Reports 2016.
24. Questions of Interpretation and Application of the 1971 Montreal Convention arising from the Aerial Incident at Lockerbie (Libyan Arab Jamahiriya v. United Kingdom), Preliminary Objections, Judgment, I.C.J. Reports 1998.
25. Questions relating to the Obligation to Prosecute or Extradite (Belgium v. Senegal), I.C.J. Reports 2012.

**The Interpretative Approach of the International Court of Justice
in "Certain Iranian Assets"**

Mohsen Mohebbi*
Vahid Bazzar**

Received: 17/01/2019

Accepted: 28/05/2019

Abstract

The International Court of Justice in its jurisdictional judgment in "Certain Iranian Assets" (Iran v. USA), which was issued on February 13, 2019, is considered USA's preliminary objections to the jurisdiction and the admissibility of claim. Objection on exceptions to the non enforcement of the Amity Treaty (Article 20 (1)), objection on non-protection of the Amity Treaty to the immunity of the State, and the objection to non-inclusion of the treaty-based protection of the Central Bank (because of its failure to be regarded as a "Company") as objections to jurisdiction of the Court and the abuse of process, and the unclean hands of applicant (Iran) as the inadmissibility of claim were raised. The Court carefully considered the arguments of the parties to the dispute. The Court upheld the objection on non-protection of the Amity Treaty to the immunity of the State, but dismissed the objection to "national and essential interests" and the objection to the inadmissibility of the claim and thereby confirmed its jurisdiction to hear the application. the objection to non-inclusion of the treaty-based protection of the Central Bank joined to the merit. Because, in the Court's view, this objection is not exclusively preliminary. In this article, we attempt to examine and analyze the arguments of the parties to the dispute and the Court's conclusions about them and analyze the Court's findings.

Key words: *International court of justice, Provisional measures, Jurisdiction, Interpretation of treaty, Islamic republic of Iran, United States of America.*

*Assistant Professor at Law, Theology and Political Science Faculty of Science and Research Branch of Islamic Azad University.
sd.mohebi@gmail.com

**PhD in International Law at Allameh Tabatabai University.
vahidbazzar@gmail.com